عدم تنافی اختلاف قرائات با حرف واحد بودن آن

دیروز از یکی- دو مورد دیگر هم صحبت شد. یکی برای فصل الخطاب است که دیروز عرض کردم. یکی از مهمترین بخشهای فصل الخطاب الدلیل الاعاشر است. ایشان که شروع میکنند میگویند دیگر واضح است که اختلاف قرائات در قرآن چگونه است. بعد هم میگویند ای امت بیچارهای که کتاب خدا را برای خودتان نگه ندا شتید. یک سوره حمد سالم برای ما نگذاشتید. ما اینها را قبلاً در مباحثه خواندهایم. اتفاقا در این چاپ صفحه ۲۱۰ است. صفحه ۲۲۲ متناقض با خودشان میگویند. وقتی در اینجا میخواهند بگویند، میگویند امتی که تضییع کردید. یک جا که میخواهند جواب دیگری را بدهند میگویند این محال است. مگر ممکن است که مسلمانان از کلام خدا همینطور در شوند؟! من این دو را یادداشت کردهام. چطور آن جا که میخواهید در کنید مسلمانان اهل اهتمام به قرآن شدند و محال است که کلام وحی را همینطور در کنند؟! اینجا که میخواهید اصل حرف را جا بیاندازید میگویند امت بیچارهای که سوره حمد را سالم نگذاشتند!

من قبلاً در مباحثه عرض کردم انصاف شروع عبارت ایشان شیعه را میگیرد. میگویند این امت در حفظ کلام خدا به قدری سستی کردند که ما نمیدانیم خداوند سوره حمد را به چه صورتی انزل کرده! «ملک» انزل کرده ای «مالک»؟! ایشان این را میگویند. خب شیعه را هم داخل کردید. بعد که به آن جا میرسد میگویند که محال است! بعد میگویند مسلمانان که هیچ، اصحاب ائمه و بزرگان به حفظ کلام خدا اهتمام داشتند. در اینجا راست میگویند. در صفحه ۲۲۲ راست میگویند. آن جا دارند روی فطرت میروند و درست هم میگویند. اینها را بعداً ملاحظه کنید.

آن چیزی که میخواستم بگویم این است: بعد از اینکه این مقدمات را میگویند، میگویند «فالمهم»؛ آن چیزی که دلیل عاشر ایشان به آن بند است و بلکه کل کتاب ایشان به این بند است، این است: «فالمهم اثبات نزوله علی نسق واحد و ابطال نزوله علی وجوه عدیده»؛ میگویی اساس این است و باید ثابت کنم. بعد شروع میکنند دلیل اول و ثانی را ذکر میکنند.

اولین دلیل ایشان همانی است ک دیروز اشاره کردم. میگویند «الاول قوله تعالی ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا». میگویند «نجد فیه اختلافا کثیرا». پس این قرآن، آنی نیست که خداوند انزل کرده. آن چه که خدا انزل کرده این اختلافها را ندارد.

بعد میگویند طبرسی در ذیل همین آیه میگوید اختلاف وجوه قرائات حق است. شروع میکند به جواب دادن. ما قبلاً اینها را خواندیم و فایل های آن موجود است. دیروز عرض کردم مرحوم شیخ الطائفه قبل از طبرسی این را فرمودهاند. آیا قبل از ایشان هم گفتهاند یا نه؟ آقا زحمت کشیدند و ارسال کردهاند؛ بله، قبل از شیخ الطائفه که وفاتشان حدود ۴۶۰ است، خصاص در احکام القرآن[1] که حدود نود سال قبل از شیخ الطائفه -۳۷۰- وفات کردهاند، دارد. خصاص در احکام القرآنش این تقسیمبندی را دارد. چه بسا غیر از او هم باشد.

الآن که دیدم ایشان میگویند خصاص قبل از او دارد، به یاد مطلبی افتادم که از نحاس هم دیده بودم. اینها نکاتی است که عرض میکنم یادداشت کنید. سر جایش خیلی به درد میخورد.

---

[1] أحكام القرآن للجصاص ط العلمية (۲/ ۲۶۹)

المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: ٣٧٠هـ)

قوله تعالى: {ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا} , فإن الاختلاف على ثلاثة أوجه: اختلاف تناقض بأن يدعو أحد الشيئين إلى فساد الآخر, واختلاف تفاوت وهو أن يكون بعضه بليغا وبعضه مرذولا ساقطا; وهذان الضربان من الاختلاف منفيان عن القرآن, وهو إحدى دلالات إعجازه; لأن كلام سائر الفصحاء والبلغاء إذا طال مثل السور الطوال من القرآن لا يخلو من أن يختلف اختلاف التفاوت. والثالث: اختلاف التلاؤم, وهو أن يكون الجميع متلائما في الحسن, كاختلاف وجوه القراءات ومقادير الآيات واختلاف الأحكام في النسخ والمنسوخ. فقد تضمنت الآية الحض على الاستدلال بالقرآن لما فيه من وجوه الدلالات على الحق الذي يلزم اعتقاده والعمل به.

بازبینی #2
ایجاد شده 19 مارس 2024 12:08:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 مه 2024 13:20:29 توسط ... .